



فلسفه و تئاتر

یک دیباچه

| نام استرن | علی منصورى | تئاتر: نظریه و اجرا (۱۸) |
| PHILOSOPHY and THEATRE: An Introduction | Tom Stern | Ali Mansouri |

فهرست مطالب

۱	تئاتر چیست؟	۱
۱۶	عشق، یأس، و زیبایی	۱۶
۲۳	فلسفه و تئاتر	۲۳
۳۰	تئاتر و فلسفه	۳۰
۳۷	تئاتر و فلسفه	۳۷
۴۴	تئاتر و فلسفه	۴۴
۵۱	تئاتر و فلسفه	۵۱
۵۸	تئاتر و فلسفه	۵۸
۶۵	تئاتر و فلسفه	۶۵
۷۲	تئاتر و فلسفه	۷۲
۷۹	تئاتر و فلسفه	۷۹
۸۶	تئاتر و فلسفه	۸۶
۹۳	تئاتر و فلسفه	۹۳
۱۰۰	تئاتر و فلسفه	۱۰۰
۱۰۷	تئاتر و فلسفه	۱۰۷
۱۱۴	تئاتر و فلسفه	۱۱۴
۱۲۱	تئاتر و فلسفه	۱۲۱
۱۲۸	تئاتر و فلسفه	۱۲۸
۱۳۵	تئاتر و فلسفه	۱۳۵
۱۴۲	تئاتر و فلسفه	۱۴۲
۱۴۹	تئاتر و فلسفه	۱۴۹
۱۵۶	تئاتر و فلسفه	۱۵۶
۱۶۳	تئاتر و فلسفه	۱۶۳
۱۷۰	تئاتر و فلسفه	۱۷۰
۱۷۷	تئاتر و فلسفه	۱۷۷
۱۸۴	تئاتر و فلسفه	۱۸۴
۱۹۱	تئاتر و فلسفه	۱۹۱
۱۹۸	تئاتر و فلسفه	۱۹۸
۲۰۵	تئاتر و فلسفه	۲۰۵
۲۱۲	تئاتر و فلسفه	۲۱۲
۲۱۹	تئاتر و فلسفه	۲۱۹
۲۲۶	تئاتر و فلسفه	۲۲۶
۲۳۳	تئاتر و فلسفه	۲۳۳
۲۴۰	تئاتر و فلسفه	۲۴۰
۲۴۷	تئاتر و فلسفه	۲۴۷
۲۵۴	تئاتر و فلسفه	۲۵۴
۲۶۱	تئاتر و فلسفه	۲۶۱
۲۶۸	تئاتر و فلسفه	۲۶۸
۲۷۵	تئاتر و فلسفه	۲۷۵
۲۸۲	تئاتر و فلسفه	۲۸۲
۲۸۹	تئاتر و فلسفه	۲۸۹
۲۹۶	تئاتر و فلسفه	۲۹۶
۳۰۳	تئاتر و فلسفه	۳۰۳
۳۱۰	تئاتر و فلسفه	۳۱۰
۳۱۷	تئاتر و فلسفه	۳۱۷
۳۲۴	تئاتر و فلسفه	۳۲۴
۳۳۱	تئاتر و فلسفه	۳۳۱
۳۳۸	تئاتر و فلسفه	۳۳۸
۳۴۵	تئاتر و فلسفه	۳۴۵
۳۵۲	تئاتر و فلسفه	۳۵۲
۳۵۹	تئاتر و فلسفه	۳۵۹
۳۶۶	تئاتر و فلسفه	۳۶۶
۳۷۳	تئاتر و فلسفه	۳۷۳
۳۸۰	تئاتر و فلسفه	۳۸۰
۳۸۷	تئاتر و فلسفه	۳۸۷
۳۹۴	تئاتر و فلسفه	۳۹۴
۴۰۱	تئاتر و فلسفه	۴۰۱
۴۰۸	تئاتر و فلسفه	۴۰۸
۴۱۵	تئاتر و فلسفه	۴۱۵
۴۲۲	تئاتر و فلسفه	۴۲۲
۴۲۹	تئاتر و فلسفه	۴۲۹
۴۳۶	تئاتر و فلسفه	۴۳۶
۴۴۳	تئاتر و فلسفه	۴۴۳
۴۵۰	تئاتر و فلسفه	۴۵۰
۴۵۷	تئاتر و فلسفه	۴۵۷
۴۶۴	تئاتر و فلسفه	۴۶۴
۴۷۱	تئاتر و فلسفه	۴۷۱
۴۷۸	تئاتر و فلسفه	۴۷۸
۴۸۵	تئاتر و فلسفه	۴۸۵
۴۹۲	تئاتر و فلسفه	۴۹۲
۴۹۹	تئاتر و فلسفه	۴۹۹
۵۰۶	تئاتر و فلسفه	۵۰۶
۵۱۳	تئاتر و فلسفه	۵۱۳
۵۲۰	تئاتر و فلسفه	۵۲۰
۵۲۷	تئاتر و فلسفه	۵۲۷
۵۳۴	تئاتر و فلسفه	۵۳۴
۵۴۱	تئاتر و فلسفه	۵۴۱
۵۴۸	تئاتر و فلسفه	۵۴۸
۵۵۵	تئاتر و فلسفه	۵۵۵
۵۶۲	تئاتر و فلسفه	۵۶۲
۵۶۹	تئاتر و فلسفه	۵۶۹
۵۷۶	تئاتر و فلسفه	۵۷۶
۵۸۳	تئاتر و فلسفه	۵۸۳
۵۹۰	تئاتر و فلسفه	۵۹۰
۵۹۷	تئاتر و فلسفه	۵۹۷
۶۰۴	تئاتر و فلسفه	۶۰۴
۶۱۱	تئاتر و فلسفه	۶۱۱
۶۱۸	تئاتر و فلسفه	۶۱۸
۶۲۵	تئاتر و فلسفه	۶۲۵
۶۳۲	تئاتر و فلسفه	۶۳۲
۶۳۹	تئاتر و فلسفه	۶۳۹
۶۴۶	تئاتر و فلسفه	۶۴۶
۶۵۳	تئاتر و فلسفه	۶۵۳
۶۶۰	تئاتر و فلسفه	۶۶۰
۶۶۷	تئاتر و فلسفه	۶۶۷
۶۷۴	تئاتر و فلسفه	۶۷۴
۶۸۱	تئاتر و فلسفه	۶۸۱
۶۸۸	تئاتر و فلسفه	۶۸۸
۶۹۵	تئاتر و فلسفه	۶۹۵
۷۰۲	تئاتر و فلسفه	۷۰۲
۷۰۹	تئاتر و فلسفه	۷۰۹
۷۱۶	تئاتر و فلسفه	۷۱۶
۷۲۳	تئاتر و فلسفه	۷۲۳
۷۳۰	تئاتر و فلسفه	۷۳۰
۷۳۷	تئاتر و فلسفه	۷۳۷
۷۴۴	تئاتر و فلسفه	۷۴۴
۷۵۱	تئاتر و فلسفه	۷۵۱
۷۵۸	تئاتر و فلسفه	۷۵۸
۷۶۵	تئاتر و فلسفه	۷۶۵
۷۷۲	تئاتر و فلسفه	۷۷۲
۷۷۹	تئاتر و فلسفه	۷۷۹
۷۸۶	تئاتر و فلسفه	۷۸۶
۷۹۳	تئاتر و فلسفه	۷۹۳
۸۰۰	تئاتر و فلسفه	۸۰۰
۸۰۷	تئاتر و فلسفه	۸۰۷
۸۱۴	تئاتر و فلسفه	۸۱۴
۸۲۱	تئاتر و فلسفه	۸۲۱
۸۲۸	تئاتر و فلسفه	۸۲۸
۸۳۵	تئاتر و فلسفه	۸۳۵
۸۴۲	تئاتر و فلسفه	۸۴۲
۸۴۹	تئاتر و فلسفه	۸۴۹
۸۵۶	تئاتر و فلسفه	۸۵۶
۸۶۳	تئاتر و فلسفه	۸۶۳
۸۷۰	تئاتر و فلسفه	۸۷۰
۸۷۷	تئاتر و فلسفه	۸۷۷
۸۸۴	تئاتر و فلسفه	۸۸۴
۸۹۱	تئاتر و فلسفه	۸۹۱
۸۹۸	تئاتر و فلسفه	۸۹۸
۹۰۵	تئاتر و فلسفه	۹۰۵
۹۱۲	تئاتر و فلسفه	۹۱۲
۹۱۹	تئاتر و فلسفه	۹۱۹
۹۲۶	تئاتر و فلسفه	۹۲۶
۹۳۳	تئاتر و فلسفه	۹۳۳
۹۴۰	تئاتر و فلسفه	۹۴۰
۹۴۷	تئاتر و فلسفه	۹۴۷
۹۵۴	تئاتر و فلسفه	۹۵۴
۹۶۱	تئاتر و فلسفه	۹۶۱
۹۶۸	تئاتر و فلسفه	۹۶۸
۹۷۵	تئاتر و فلسفه	۹۷۵
۹۸۲	تئاتر و فلسفه	۹۸۲
۹۸۹	تئاتر و فلسفه	۹۸۹
۹۹۶	تئاتر و فلسفه	۹۹۶
۱۰۰۳	تئاتر و فلسفه	۱۰۰۳

| فهرست مطالب |

۷		پیشگفتار
۱۵	تئاتر چیست؟	فصل اول
۴۳		بخش اول: از جهان به صحنه
۴۵	محاکات: تقلید و تخیل	فصل دوم
۸۵	حقیقت و توهم	فصل سوم
۱۲۷	تاریخ در هنگامه وقوع: تئاتر و گذشته	فصل چهارم
۱۶۵		بخش دوم: از صحنه به جهان
۱۶۷	یک مدرسه اخلاق	فصل پنجم
۲۰۷	احساسات	فصل ششم
۲۵۵	کنش جمعی: تئاتر و سیاست	فصل هفتم
۳۰۵		کتاب‌شناسی

۱ | پیشگفتار

فلسفه و تئاتر در زمان و مکانی واحد سر برآوردند: یونان باستان، در قرن ششم پیش از میلاد. هردو واژه‌هایی یونانی هستند: «فلسفه»، «عشق به حکمت» است و «تئاتر»، «محل تماشا». نخستین فیلسوف، تالس^۱ بود که حدود سال ۵۴۶ پ. م. بدروود حیات گفت. اندکی پیش از یک دهه بعد از آن، تِسپیس^۲، نخستین نمایشنامه‌نویس، اولین جایزه‌اش را به دست آورد و بنابر روایت‌هایی در همین حین بازیگری را نیز (به شیوه‌ای که امروز می‌شناسیم) ابداع کرد. فلسفه و تئاتر هم مانند بسیاری از همزادان در حال رشد، رابطه پیچیده‌ای باهم داشتند. مثلاً، سقراط در این زمینه بسیار آموزنده است. نخستین منبعی که برای سقراط سراغ داریم، ظاهر شدن او در مقام یک شخصیت نمایشی در کمدی ابرهای آریستوفان است؛ در واقع، این تنها منبعی است که به زمان حیات سقراط بازمی‌گردد (۱). هرچند تصویر ارائه شده از او در این کمدی اصلاً خوشایند نیست: سقراط در این نمایش مشغول اندازه‌گیری پای یک کک یا دزدیدن لباس‌های شاگردانش ظاهر می‌شود؛ بدتر از همه اینکه او شاگردانش را متقاعد می‌کند تا از آیین سنتی آتنی‌ها روی گردان شوند و جوانان خوش‌آئینه آتنی را به دغل‌بازانی ناباب بدل می‌کند. یکی از منابع تاریخی چنین ادعا می‌کند که سقراط نمایش آریستوفان را دیده

1. Thales
2. Thespis

۱ فصل اول

۱ تئاتر چیست؟

در سراسر این کتاب، ما به مسائل فلسفی‌ای می‌پردازیم که دربارهٔ تئاتر مطرح می‌شوند. هدف عمدهٔ این فصل پاسخ به این پرسش است: «تئاتر چیست؟» ارائهٔ یک پاسخ و صدا البته بررسی پاسخ‌های پیشنهادی دیگران، به ما درک این موضوع کمک می‌کند که چه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را می‌توان با «تئاتر» مرتبط دانست. یک راه برای پاسخ به پرسش آن است که بگوییم: «هیچ تعریف سودمند واحدی در کار نیست و این عبارت صرفاً عنوانی است برای مجموعه‌ای از اعمال اجتماعی و فرهنگی آشفته و نامنسجم که کم‌وبیش از یونان باستان آغاز شده، اما احتمالاً مدت‌ها پیش از آن نیز در اشکال و تعاریف کاملاً متفاوتی در جریان بوده است». کاملاً درست است، حتی با اینکه می‌شود همین پاسخ را کلمه‌به‌کلمه در مورد پرسش‌هایی از قبیل «دموکراسی چیست؟»، «تاریخ‌نگاری چیست؟»، «فلسفه چیست؟» و پرسش‌هایی دیگر به کار برد. پس هدف، رسیدن به تعریفی مشخص‌تر از آن است، اما تعریفی که به انواع چیزهایی که «تئاتر» بوده و هنوز هم «تئاتر» خوانده می‌شوند، توجه نشان دهد. ما به یک تعریف سفت‌وسخت نیاز نداریم؛ چیزی لازم داریم که بتواند ما را تا پایان کتاب همراهی کند. در اینجا به سه شیوهٔ متفاوت به بررسی پرسش «تئاتر چیست؟» خواهیم پرداخت. در وهلهٔ نخست، «عناصر نوعی»^۱ یک اجرای تئاتری را مطالعه می‌کنیم. سپس به برخی از تعاریف

متداول تئاتر می‌پردازیم؛ بعد تئاتر را در مقایسه با سایر قالب‌های هنری بررسی می‌کنیم و در پایان، رابطه متون نمایشی (نمایشنامه‌ها) و اجراهای تئاتری را بررسی خواهیم کرد.

عناصر نوعی

یک رویکرد، اندیشیدن دربارهٔ عناصر نوعی تئاتر است. «نوعی» خواندن این عناصر، بدان معنا نیست که تئاتر بدون آنها غیرممکن است. در واقع، خیلی زود مشخص می‌شود که تنها تعدادی از آنها واقعاً برای یک اجرای تئاتری ضروری هستند. پس ایده کلی در اینجا عبارت است از معرفی چیزهایی که من آنها را عناصر یک اجرای تئاتری قلمداد می‌کنم و همچنین نشان دادن انواع تئاترهایی که سعی دارند بدون این عناصر کار خود را پیش ببرند.

اگر ما از آن دسته عناصر اجراهای تئاتری که به‌طور معمول مطرح می‌شوند فهرستی تهیه کنیم، این فهرست می‌تواند شامل برخی از موارد زیر باشد: یک نمایشنامه، کاراکترها، طرح، کلام، کارگردان، صحنه و صحنه‌پردازی، نورپردازی و صدا، تماشاگر، بازیگر و در نهایت مکان تئاتر. با این حال، اجراهای تئاتری در غیاب بسیاری از این عناصر معمول نیز میسر هستند. برجسته‌ترین اینها متن نمایشنامه است که اغلب یکی از عناصر مهم اجراهای تئاتری قلمداد می‌شود، اما بدیهی است که مثلاً در یک نمایش (کاملاً) بداهه‌پردازانه متن نمایشنامه نقشی ندارد. به‌رغم این توافق عمومی که بسیاری از این اجراهای تئاتری به‌هیچ‌وجه از نمایشنامه استفاده نمی‌کنند، رابطه بین متن‌های نمایشی و اجراهای تئاتری موضوع برخی از بحث‌های فلسفی است که در پایان این فصل به آنها خواهیم پرداخت. طرح و کاراکتر نیز در بسیاری از انواع تئاترهای آوانگارد به‌شکل متعارف ظاهر نمی‌شوند. کلام هم مثلاً در نمایش‌های پانتومیم غایب است. کارگردان که امروزه در جایگاه نقش هنری مشخص و مستقل شناخته می‌شود، کم‌وبیش محصول قرن بیستم است. سایر عناصری که کنار گذاشتنشان دشوارتر است، شایسته بررسی دقیق‌تری هستند. این عناصر عبارت‌اند از: مکان تئاتر، بازیگر و تماشاگر.

عناصر نخست مکان است، خود تئاتر. واژه «تئاتر» به‌طور کلی می‌تواند در کنار نهادهای هنری‌ای همچون «موسیقی کلاسیک»، «شعر» یا «رقص» قرار گیرد. مثلاً

در عنوان کتاب حاضر نیز از همین مفهوم استفاده شده؛ اما «تئاتر» یک موقعیت مکانی است که اغلب برای اجرای نمایش بنا شده، مانند تئاتر دیونیسوس^۱ یا تئاتر گلوب^۲. معمولاً ما در تئاتر شاهد مکانی برای تماشاگران و مکانی برای اجرای بازیگران هستیم، که البته منظور از مکان دوم، همان صحنه است با صحنه‌پردازی‌های مربوط به آن. هرچند واضح است که اجراهای تئاتری همواره در غیاب تئاتر به این مفهوم صورت گرفته‌اند. در قرون وسطی، هیچ ساختمانی مخصوص نمایش، به این مفهوم که امروزه می‌شناسیم، وجود نداشت؛ اما اجراهای تئاتری در کلیساها، میداین شهر یا در صفوفی میان خیابان‌های اصلی اتفاق می‌افتادند. کمپانی‌های مدرن تئاتری از مجتمع‌های صنعتی متروکه، پارک‌ها، خیابان‌ها و تونل‌ها برای اجراهایشان استفاده می‌کردند. یک نمایش می‌تواند بدون هیچ صحنه و صحنه‌پردازی‌ای اجرا شود. مخلص کلام اینکه برای تئاتر، [مکان] تئاتر لازم نیست. البته در مفهوم گسترده‌تر آن می‌توان گفت که در تمامی این موارد تئاتر را گروه‌ها به وجود می‌آورند. یک انبار متروکه تالار و صحنه مخصوص نمایش نیست، اما از جهتی اجرا آن را به یک تئاتر بدل می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، در تمامی این موارد، اجرای تئاتری در یک مکان واقع می‌شود. واژه «تئاتر» برگرفته از واژه یونانی «تئاترون»^۳ است؛ به معنای «مکانی برای تماشا». در تمامی این موارد، فضایی برای تماشاگران و فضایی برای تماشا شدن مجزا شده. با وجود درک کلی، این نکته همیشه مشخص نیست که کدام فضا برای تماشا کردن است و کدام فضا برای تماشا شدن؛ امری که مثلاً در مورد نمایش‌های دفیله‌ای قرون وسطایی که در تمام شهر جابه‌جا می‌شدند، صادق است. در اینجا ما به چیزی تقریباً ضروری‌تر برای یک اجرای تئاتری می‌رسیم: نوعی فضای مشخص برای تماشا. با این حال هنوز می‌توان نمونه‌های شناخته‌شده‌ای از نمایش را یافت که فاقد چنین فضایی هستند. واضح است که «نمایش رادیویی»، اگر نوعی تئاتر به حساب آید، «مکانی برای تماشا کردن» یا حتی مکانی مشخص و مخصوص برای گوش دادن ندارد. البته برخی از نظریه‌پردازان تئاتر صرفاً به همین علت، این گونه نمایش را بی‌اهمیت می‌شمارند.

1. Theatre of Dionysus
2. Globe Theatre
3. Theatron